

مناظره مسلمان و داروین

۲ - دین

مسلمان - شما در باره دین هم نظریه‌ای دارید ؟

داروین - آری ؛ نظریه‌مهمی دارم .

مسلمان - آن نظریه را بیان کنید

داروین - انسان در ساختن دین مراحل پیموده است :

۱ - تفکرات .

۲ - سحر و جادوگری .

۳ - بت پرستی .

۴ - یکتا پرستی .

۵ - دانش .

مسلمان - لطفاً بیان بفرمائید :

داروین - چشم :

۱ - انسان در گذشته ؛ مانند همه میمونها ، تمام تکاپوش برای تأمین

شکم و شهوت بود ، و چیز دیگری را نمیشناخت ، پس از مدتی کشاورزی آموخت

و همسری بدست آورد ، و هزاران سال بعد ، با آسمان و زمین مینگریست ، و با

خود میگفت ؛ اینها چیستند ؛ و از این جا بود که افکار پدید آمد .

۲ - از آن پس در بارهٔ مرگ فکر میکرد :

هنوز انسان بمرگ طبیعی پی نبرده بود ، و بیشتر هنگام قتل ، سقوط

از بلندی ، غرق شدن ، مرگ را مشاهده مینمود ، و به سبب آن پی میبرد ، ولی

اینکه مرگ بدون سبب حاصل شود ، برای او معقول نبود ، به همین جهت عقیده مند

شد که وقتی انسان در هنگام ببری و یا بیماری می میرد ، قطعاً دست انسانی دور او

در کار بوده ، که او مرض و مرگ را برایش خواسته است ، و از راهای مرموزی

که درک آن از قدرت من خارج است به خواستهٔ خود جامهٔ عمل پوشانیده ، این

راههای مرموز همان سحر و جادو است ، و از اینجا بود که سحر و جادو

پیدا شد .

۳ - پس از آن انسان دید : بعضی از افراد غش میکنند ، و باز خوب می - شوند و در خواب میدید که برخی از مردگان با او صحبت میکنند ؛ روی این حساب عقیده مند شده که : مرگ پایان زندگی انسان نیست ، (در حال اغماض خیال کرده بود) که انسان پس از مرگ دارای زندگی میباشد .

از اینجا بود که اعتقاد با آخرت ، و بموازات این عقیده احترام بجثه ، و بدنبال آن پرستش بتان پدید آمد ، زیرا آنان محسسه بزرگان از مردگان خود را میتراشیدند ، و بآن احترام میگذاشتند ؛ یعنی : آنرا میپرستیدند و از اینجا بود که بت پرستی شروع شد .

۴ - و چون دسته ای از مردم (۱) از ساختن اشکال و بقها عاجز بودند ، و در ضمن میل داشتند در احترام بخدایان بهمسایگان خود برسند ، آمدند و برای خود خدای یکتائی را اختراع کردند .

۵ - پس از این دنیای علم آمد ، و بهمه اینها خندید .

مسلمان - چه علمی ؟ علم شما ! و امثال شما ! که همه اش خرافات و اوام است ! بگذارید قبلاً از شما پرسشی بنمایم :

چه دلیلی برای نظریه دورودراز دارید ؟

داروین دلیلی ندارم ، و همینطوری فکرم باین مطلب راهنمایی نموده است
مسلمان - اولاً از کجا بدست آوردید که انسان اولیه آنطور بوده که شما گفتید ؟ ادیان عالم میگویند : اولین انسان پیامبری بود از پیامبران الهی که نامش آدم (ع) بود شما چه دلیلی برای رد این گفته دارید ؟

و این فلسفه خیالی که در مرحله دوم برای مرگ بافتید ، و آنرا منشأ بحر وجود دانستید ، از کجا ؟ و از چه راهی ثابت شد که بیهوشی انسان از طرف دیگری است ، و مرده را در خواب دید و بدین وسیله با آخرت ایمان آورد ؟ و آنرا منشأ بت پرستی پنداشتی ؟

و از کجا ثابت شد که برخی از ملتها بت سازی بلد نبودند که آنرا منشأ پیدایش یکتا پرستی گمان کردید ؟ گذشته از این مگر هم اکنون کشورهای اسلامی بت سازی بلد نیستند با این حال پس چگونه بخدای یکتا ایمان دارند .

(۱) مراد از این دسته موحدین و مسلمانان است ولی بایست گفت : آقای

داروین مگر شما تاریخ اسلام را نخوانده اید که پیش از ظهور اسلام خانه کعبه پراز بتان گوناگون ، و اسلام آنها را درهم شکست ؟

آیاریوی چه حسابی علم بهمه اینها خندید و در حالتیکه برعکس ، پیشرفت دانش ، یکتائی خدا را اثبات نموده است ، (۱) آری بر عکس آنچه تصور نمودید : علم ، بشما و خرافات ؛ ویی فرهنگی شما میخندد ، شما گذشته از سایر ادیان و کتب آسمانی آنها ، از دین اسلام بسیاری اطلاعید ، و حتی يك کتاب هم از هزاران کتابی که کتابخانه ها و کتابفروشی ها را پر کرده ، است مطالعه نموده اید !!

داستان شما ، و یکتا پرستان ، مانند داستان آن دونفری است که بایکدیگر بگردش رفتند ، یکی از آن دو مرد مردی دیندار و دیگری بی دین بود ، در هنگام گردش ؛ به باغ خر می رسیدند که : دارای پرندگان زیبا و گل های رنگارنگ و درختان پرمیوه ، و جویبارهای روان بود ، و کاخ باشکوهی با بهترین وسائل تزیین و آرایش یافته ، دارای بهترین اسباب و آلات ، در آن کتابخانه مجللی است دارای هزاران کتاب در فنون گوناگون ، پنکه ها و لوسترها و دست - شوئیهای گران بها وو .

سپس خدا پرست میگوید : این باغ با آنچه در آنست ساخته دست يك مهندس توانا و اصناف مختلف از صنعتگران ماهر ، و باغبان زبردست میباشد . و ای طبیعی میگوید : نه خیر ، من که آنانرا با چشم خود ندیده ام ، و من بجز محسوسات ، بجیزی ایمان ندارم .

خدا پرست میگوید : پس چه کس اینهارا ساخته است ؟

طبیعی ' پس از تفکر بسیار میگوید : باد ، سنگهارا از آن کوههای دو فرسنگی آورده ، و بمرور زمان آنها را تراشیده ، تا بصورت این کاخ درآمده است !! ، و درختان را هم از جنگلی که در دوسه فرسخی است آورده ؛ و با گذشت زمان در زمین فرورفته ، تا اینکه باغچه ای درست شده ؛ و نیز قطعات پشم را از گوسفندان چوپانی که شبها بچرا میرود ، جدا کرده و با زدن بدیوارها و زمینها حلاجی کرده ، و با گذشت زمان آنها را بافته و از آن فرش ساخته است !!

و نیز همین آقای باد ؛ مقداری پنبه از کشتزارهای پنبه آورده ، و از آن

(۱) اخیراً کتاب جالبی بسبک مناظره بنام (یکتا خدای جهان آفرین) تألیف مؤلف محترم ، ترجمه مترجم منتشر شده ، خواندن این کتاب برای تکمیل خداشناسی برای همگان مفید است .

اوراق کسغذی درست کرده ، و آمدورفت حشرات روی این اوراق خطوطی رسم نموده ، تا بمرور زمان این کتا بخانه تهیه شده !!
آورده و آورده ، ساخته و پرداخته ، قایمگه این کاخ باشکوه را که می بینی تکمیل نموده است .

خدا پرست ، میگوید : پس است . با اینهمه چرند که گفتی ، تو همان کسی هستی که جز بمحسوسات ایمان نداری ! آیا آنچه تا بحال شرح دادی ؛ همه را خود مشاهده کرده بودی ؟

طبیعی ؛ گفت : نه خیر ! ندیده ام ولی اینها همه فرضیه است .
خدا پرست - میگوید : پس چگونه بچیزیکه ندیده اید ، عقیده مند شدید ؟
طبیعی - ساکت شده ، پاسخی نداشت !

اینک شما نیز جناب داروین ؛ آنچه را از تحولات که در باره دین گفتید دیده بودید ؟

داروین - خیر ندیده بودم ، ولی اینها همه تئوری است .
مسلمان - آیا این تئوری میتواند چیز پرا اثبات نماید ؟
داروین - نه

مسلمان - پس چرا حرفهائی که بیشتر بهذیان دیوانگان می ماند ، میز نید ؟

داروین - فکر خواهم نمود !

۳ - زبان

مسلمان - استاد بزرگ ، آیا در باره زبان هم فلسفه ای دارید ؟
داروین - من در باره زبان روش تازه ای پیش میگیرم ، تا با نظریه ام در تحول سازگار باشد .

مسلمان - آن روش تازه کدامست ؟
داروین - پس از آنکه انسان از شکل میمونی بصورت انسانی درآمد ، بجز کلمات مختصری که در حالت میمونی بکار میبرد بلد نبود ، و آن کلمات را با اشارات دیگر تکمیل میکرد . سپس الفاظی بر آن افزود که از آن اشارات خیر میداد ، مانند صداهائی که از آبشارها ، و بهم خوردن دندانها . و صدای درب ، و

بهم پیچیدن کاغذ ، و صدای برخی از حیوانات مانند زوزه گرگ ، و عو و سگان و... پدید می آید .

و چون زنان شب هنگام ، گرد آتش جمع میشدند و شب نشینی میبردند و در تازیکی اشاره دیده نمیشد ، بناچار اشاره را با الفاظی که شنیده میشود تبدیل نمودند ، پس از آن ، رفته رفته حرف زدن پدید آمد .

مسلمان - دلیل گفتار شما چیست ؟

داروین - شواهدی دارم .

مسلمان - آن شواهد کدام است ؟

داروین - یکی از شواهد آنکه : انسان و میمون در استعمال لفظ (کخ) برای تشبیه کودکان مشترکند .

دیگر از شواهد : اشتراك بیشتر زبانها در لفظ _ با _ و ما _ که کودکان در سال اول آنرا استعمال می کنند .

شاهد دیگر : آنکه در همه جا اشاره منفی با حرکت سر بجانب بالا ، و اشاره سکوت با گذاردن انگشت روی بینی صورت میگیرد .

دلیل دیگر : آنکه در برخی از زبانها الفاظ بسیاری یافت میشود که از يك ریشه اند مانند : کل ، جل ، جیل ، جمل ، لچ ، جمل ، در زبان عربی ، و این مطلب دلالت دارد بر آنکه الفاظ در ابتداء اندک بوده ، و رفته رفته در آن تحول و اشتقاق پدید آمده است .

مسلمان - استدلال شما چقدر شواهد دارد با استدلال کسی که میخواهد خلافت یکی از خلفا را ثابت کند ، بطرف خود میگوید : مگر (ضرب) فعل ماضی نیست ؟ او میگوید ، بله ... باز میگوید : مگر (یضرب) فعل مضارع نیست ؟ طرف میگوید : چرا ! آنکاه میگوید : خوب ! خلافت خلیفه ثابت شد !

چهار تباطی است میان اشتراك جمله ای از الفاظ و اشارات در زبانها ، یا اشتقاق برخی از جملات از کلمات دیگر ، و میان تحول در زبان که شما خیال نموده اید ؟

داروین - فکر میکنم .

(بقیه دارد)

مسلمان - باز هم فکر کنید !